

**پیام مسجد**

**با محوریت نهج البلاغه**

**شرح حکمت ۱۸۱ تا ۲۱۰**

**هر روز یک حکمت**

## سرانجام دوراندیشی

قال امیرالمؤمنین(ع): «ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ، وَثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ (حکمت ۱۸۱) ؛  
میوه درخت تفریط پشیمانی و میوه درخت دوراندیشی سلامت است.»

### مقدمه:

هدف اسلام، ایجاد عدالت در بین بشریت است، و راه آن استفاده از عقل در جمیع امور است، زیرا عدالت نتیجه عقل است.

### نکته‌ها:

\* واژه «تفریط» در مقابل «حَزْم» که به معنای دوراندیشی و تدبیر امور و آینده نگری است، قرار گرفته، بنابراین «تفریط» در این کلام به معنای ترک دوراندیشی و تدبیر در امور و انحراف از حق است (شرح ابن میثم بحرانی).

\* هر که در کارهایش بی تفکر باشد و به انحراف رود، یقیناً از نتیجه‌اش پشیمان می‌شود (ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ) (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* زندگی از روی عقل باعث سلامتی دین، روح و غالباً جسم می‌شود (وَتَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ) (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* قرآن مجید می‌فرماید: «و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آن که عذاب الهی ناگهان به سراغ شما درآید در حالی که از آن آگاه نیستند. مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم واز مسخره کنندگان بودم» (زمر، آیه ۵۵ و ۵۶).

\* گاه می‌شود که تفریط از سستی و تنبلی سرچشمه می‌گیرد، اما غالباً منشأ تفریط همان ترک دوراندیشی است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

## کجا خاموش باش و کجا سخن بگو

قال امیرالمؤمنین(ع): «لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ، كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ (حکمت ۱۸۲)

خاموش ماندن از گفتار حکمت آمیز فایده‌ای ندارد، همان گونه که سخن گفتن نابخردانه.»

### مقدمه:

لسان و کلامی که از آن خارج می‌شود، باعث ثبت اعمال در پرونده انسان است، لذا باید برای سعادت، از این نعمت الهی درست استفاده کرد.

### نکته‌ها:

\* سکوت بیجا و نیز کلام بیجا، هر دو مذموم و قبیح است (لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ؛ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ) (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* امام سجاد (ع) در فضیلت سخن حق فرمود: «هنگامی که می‌خواهی فضیلت سکوت را بیان کنی با کلام بیان می‌کنی و هرگز فضیلت کلام را با سکوت بیان نخواهی کرد» (بحار الانوار ج ۶۸) \* عدالت و اعتدال در لسان از فضایل انسانی است (شرح ابن میثم بحرانی).

\* از مصادیق بی‌عدالتی لسان عبارتند از: سکوت از امر به معروف و نهی از منکر و از حکم به حق و از شهادت عادلانه و از اندرز و نصیحت‌های مخلصانه و از مشورت خردمندان، سخن گفتن به دروغ، غیبت، تهمت، اهانت و... (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* تعبیر به «حکم» در کلام امام (ع) تنها به معنای قضاوت کردن در محاکم قضایی یا فتوای به حلال و حرام صرف نیست، بلکه هر سخن حکیمانه و خردمندانه‌ای را فرا می‌گیرد، زیرا نقطه مقابل آن در همین کلام «جهل» ذکر شده است (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* قرآن مجید در مسئله تکلم به حق می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ؛ به یاد آورید هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، پیمانی گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید!» (آل عمران آیه ۱۸۷).

### ادعاهای متضاد

قال امیرالمؤمنین (ع): «مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَالَّةً (حکمت ۱۸۳)؛ هیچ‌گاه دو دعوت مختلف و متضاد وجود ندارد مگر این که یکی از آنها ضلالت و گمراهی است.»

### مقدمه:

اسلام دین اختلافات نیست، بلکه هدف دین، ایجاد اتحاد بین بشریت و بخصوص مسلمین است، لذا باید از بین این همه کثرات و احکام، به وحدت آراء رسید.

### **نکته‌ها:**

\* عبارت «مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً» عام است و هرگونه نظرات متضاد (در فقه و اخلاق و اعتقادات) را شامل می‌شود (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* عبارت «مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً» عقیده سخیف تصویب (گروهی از اهل سنت معتقدند مجتهدانی که اختلاف در آراء دارند، یکی فلان کار را حرام می‌داند و دیگری واجب، همگی برحقند و عقیده همه حکم الهی است نه حکم ظاهری بلکه حکم واقعی) را ابطال می‌کند (شرح ابن میثم بحرانی).

\* همیشه حق یکی است، و آنچه در نقطه مقابل آن باشد باطل است و همه با هم باید بکوشند و حق را پیدا کنند.

\* اختلاف آراء علما، دال بر جهل به واقع و ضعف استنباط خودشان است، نه تکثر حکم.

\* عبارت «مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً» فرع بر یگانگی خداوند متعال است، چون خالق یکی است لذا حکم در موضوع خاص نیز یکی است.

### **هیچ گاه در شناخت حق شک نکردم!**

قال امیرالمؤمنین (ع): «مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مَذْأَرِيَّتُهُ (حکمت ۱۸۴) ؛

از آن زمان که حق به من نشان داده شده هرگز در آن شک و تردید نکردم.»

### **مقدمه:**

شک و تردید از رذایلی است که بسیار در روایات ما مذموم و قبیح است، به خصوص زمانی که حق برای انسان آشکار باشد.

### **نکته‌ها:**

\* شک، یعنی در مورد حکم موضوعی، بین دو یا چند حکم مردد باشد و حق را تشخیص ندهد.

\* گاه انسان حق را با ادله نظری درک می کند و گاه با مقدمات ضروری، زمانی با حس و تجربه و هنگامی با شهود باطنی (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه الله خوئی).

\* شک در انسان دو نوع است: گاهی شک در موضوعی، جهت رد کردن حقیقت است، و گاهی شک در موضوعی، برای فهم بیشتر است.

\* شک به هر نوعی فی نفسه نشانه جهل و ضعف انسان است (مَا شَكَّتُ فِي الْحَقِّ مَذْ أَرِيْتُهُ).

\* علت شک انسان، یا جهل و ضعف خودش است، یا علمی که کسب کرده موثق نیست و یا استادی

که به او علم آموخته، فردیست که نفوذ شک و تردید در او ممکن است (شرح ابن میثم بحرانی).

\* حق، یکی از نامهای خداوند است و مقصود از عبارت «مَا شَكَّتُ فِي الْحَقِّ مَذْ أَرِيْتُهُ» این است

که از هنگامی که خدا را شناختم در آن شک و تردید نکردم (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن

ابی الحدید).

## آنچه می گویم حق است

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَا كَذَّبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي (حکمت ۱۸۵)؛

هرگز دروغ نگفتم و هیچ گاه دروغ به من گفته نشده است و هرگز گمراه نبوده‌ام و کسی نیز به

وسیله من گمراه نشده است.»

## مقدمه:

دروغ گفتن از گناهان کبیره است، که وعده عذاب و آتش داده شده، و گمراه کننده در روایات مورد

لعن خدا معرفی شده است، لذا باید از ایندو رذایل اخلاقی اجتناب کرد.

## نکته‌ها:

\* دروغ یعنی عدم مطابقت با واقع، و بیان چیزی که مطابق با واقع نیست (معراج السعاده ملا احمد

نراقی).

\* عبارت «مَا كَذَّبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي» جهت دفع نسبت دروغ‌گویی دیگران به

امام(ع) است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* عبارت «...مَا كَذَّبْتُ...» یعنی در مقام قلب تمام اعتقادات صحیح را قبول کرده، و در مقام عمل اعمالش مطابق با امر خداوند است، و در مقام لسان نیز کلامی باطل و دروغ نگفته است.

\* عبارت «وَلَا كُذِّبْتُ» یعنی استاد ایشان، جناب رسول الله، ایشان را صدیق تربیت کردند (شرح ابن میثم بحرانی).

\* امام معصوم(ع) خالی از هر گونه گمراهی و ظلمت است (وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي).

\* دروغ و دروغ‌گویی باعث گمراهی شخص می‌شود (مَا كَذَّبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي).

### سرنوشت ظالم آغازگر

قال امیرالمؤمنین(ع): «لِلظَّالِمِ الْبَادِي غَدًا بِكَفِّهِ عَضَّةٌ (حکمت ۱۸۶) ؛  
آن ستمگر که ابتدای به ظلم می‌کند فردای قیامت دست خود را از پشیمانی (به دندان) می‌گزد.»

#### مقدمه:

اسلام دین ظلم نیست، خداوند که صاحب اسلام است نیز هم ظالم نیست، لذا در روایات و آیات بسیار انسان‌ها را از این رذیله نهی کرده و بازداشته‌اند.

#### نکته‌ها:

\* ظلم به معنای عام یعنی هر چیزی که در اقتضای ذات خودش نباشد، و به معنای خاص یعنی تجاوز به حق یا حریم کسی (معراج السعادة ملا احمد نراقی).

\* عبارت «لِلظَّالِمِ الْبَادِي غَدًا بِكَفِّهِ عَضَّةٌ» هشدار شدیدی به ظالمان و ستمگران می‌باشد (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* عبارت «لِلظَّالِمِ الْبَادِي غَدًا بِكَفِّهِ عَضَّةٌ»، افرادی که بنای ظلمی را می‌گذارند و ماندگار می‌شود، را نیز شامل می‌شود.

\* مؤید کلام امیرالمؤمنین(ع) آیه ۲۷ سوره فرقان می‌باشد: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا؛ و روزی که ستمکار دست خود را به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم.»

\* تقدم ظالم به «بادی»، یعنی اینکه شخص دوم اگر مقابله به مثل کند ظلم نیست بلکه احقاق حق است (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه الله خوئی).

\* «غداً» کنایه از روز قیامت است (شرح ابن میثم بحرانی).

\* تعبیر به «عَضَّة» (به دندان گزیدن) کنایه از شدت ناراحتی شخص از ظلم خویش است.

\* از روایت (رسول اکرم(ص) فرمودند: «اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّهُ ظَلَمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ از ظلم پرهیزید که در روز قیامت ظلمت و تاریکی است» ) استفاده می شود که در روز قیامت ظلم به صورت تاریکی مجسم می شود.

\* از جمله گناہانی که کیفر و عقوبت آن در این دنیا دامن انسان را می گیرد ظلم است.

## باید آماده بود

قال امیرالمؤمنین(ع): «الرَّحِيلُ وَشِيكٌ» (حکمت ۱۸۷) ؛  
کوچ کردن (از دنیا) سریع است.»

### مقدمه:

دنیا محل گذر است، گویی تا چشم بر هم زنی کودکان، جوان و جوانان، پیر و پیران از صحنه خارج می شوند، لذا آدمی باید برای حضور ابدی در عالم باطن و مجرد آماده بشود.

### نکته ها:

\* «رحیل» به معنای هرگونه کوچ کردن است ولی در اینجا با قرائن حالیه به کوچ کردن از دنیای زودگذر به آخرت اشاره دارد (شرح ابن میثم بحرانی).

\* «وشیک» از ماده «وشک» (بر وزن اشک) به معنای سرعت گرفتن در سیر است، و سرعتی که بسیار شدید و عجیب باشد (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).

\* حضور در دنیا با جسم عنصری مادی بسیار کم است (الرَّحِيلُ وَشِيكٌ) (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* کمی عمر دنیا به نسبت حضور در عالم آخرت است، یعنی زندگی در آخرت بسیار طولانی است.

\* عبارت «الرَّحِيلُ وَشَيْكٌ» اشاره به این دارد که نباید به دنیا وابستگی کامل داشت، به طوریکه به خاطر دنیا، آخرت را از دست ندهیم (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* قدرت‌ها و سلطنت‌ها و حکومت‌ها، بسیار زود زوال می‌پذیرند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* قرآن مجید می‌فرماید: «(ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم و به وسیله آن، گیاهان زمین در هم فرو می‌رود، اما بعد از مدتی می‌خشکد، به گونه‌ای که بادهای آن را به هر سو پراکنده می‌کند، و خداوند بر همه چیز تواناست» (کهف، آیه ۴۵).

\* دنیا انسان را مغرور می‌کند، یعنی با ظاهرسازی او را از حق غافل کرده و فریب می‌دهد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

## سرانجام مبارزه با حق

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ أَبَدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ (حکمت ۱۸۸) ؛  
آنکس که در برابر حق قد علم کند، هلاک خواهد شد.»

### مقدمه:

هرگز نباید به مخالفت و مقابله با حق برخاست، زیرا حق قدرتی دارد که انسان را بر زمین می‌کوبد، اگر در کوتاه مدت انجام نشود در دراز مدت انجام خواهد شد، لذا حق آن است که تسلیم حق شویم.

### نکته‌ها:

\* حق به معنای واقعیت‌های ثابت است و واقعیت‌ها آثاری دارد و هر چه با آثارش به مخالفت برخیزند از میان نمی‌رود.

\* حق همان راه درست و بر اساس اقتضای ذات و فطرت هر چیزی است.

\* عبارت «و ابدی صفحته» کنایه از خود را در معرض قرار دادن و قیام کردن به چنین کاری است (شرح ابن میثم بحرانی).

\* عبارت «مَنْ أَبَدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ» یک سنت واصل و قانون در نظام هستی است.



\* قرآن مجید در سوره انبیاء، آیه ۱۸ می‌فرماید: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» ؛ بلکه ما حق را بر باطل می‌کوبیم و آنرا هلاک می‌سازد و این گونه باطل محو و نابود می‌شود.»

\* عبارت «مَنْ أَبْدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ» هر گونه مخالفت مخفی و آشکار را شامل می‌شود.

\* در کتاب «وجوه القرآن»، برای کلمه حق موارد استعمال دوازده‌ای در قرآن مجید ذکر کرده است: حق به معنای ذات پاک خداوند و به معنای قرآن، اسلام، توحید، عدل، صدق، طرز صحیح، علانیه، شایستگی، واجب شدن، وام و بهره (تفسیر نمونه، ج ۸، ذیل آیه ۵۵ سوره یونس).

\* مراد از هلاکت همان گمراهی و جهالت و دوری از خداوند است (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

## بی‌تابی کشنده است

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ (حکمت ۱۸۹) ؛ کسی که صبر و شکیبایی او را نجات ندهد، بی‌تابی او را از پای در می‌آورد.»

### مقدمه:

به یقین در طول زندگی انسان، مصائب و مشکلات فراوانی است که هیچ کس از آن بر کنار نمی‌ماند، عکس‌العملی که انسان می‌تواند در مقابل این حوادث دردناک و غم‌انگیز نشان بدهد یکی از دو چیز است: نخست صبر و شکرگزاری به درگاه خدا و دیگر جزع و بی‌تابی.

### نکته‌ها:

\* صبر یعنی در مصیبت‌ها تسلیم حق باشیم و جزع یعنی اظهار نارضایتی به خدا در مقابل مصیبت وارده (معراج‌السعادة ملا احمد نراقی).

\* صبر و جزع دو صفت متضاد یکدیگرند.

\* سعادت به صبر است، و جزع و بی‌تابی سبب ناشکری به درگاه خداوند می‌شود (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید).

\* هلاکت و صبر در عبارت «مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ» هلاک و نجات دنیوی و اخروی هر دو را شامل می‌شود (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* برای درمان جزع لازم است انسان توجه به مصائب اولیاءالله در گذشته، و خویشان خود کند، و در آثار مثبت صبر و آثار منفی بی تابی بیندیشد (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

## عذر واهی برای تصدی خلافت

قال امیرالمؤمنین(ع): «وَأَعْجَبَاهُ! أَتَكُونُ الْخِلَافَةَ بِالصَّحَابَةِ وَالْقُرَابَةِ؟ (حکمت ۱۹۰) ؛

عجبا! آیا خلافت با همنشینی با پیامبر حاصل می شود، ولی با همنشینی و خویشاوندی حاصل نمی گردد؟».

### مقدمه:

هنگامی که ابوبکر به عمر گفت: دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنم عمر در پاسخ او گفت: تو همراه پیغمبر در همه جا بودی در حالات شدت و سختی و آسانی، تو دستت را دراز کن تا من با تو بیعت کنم (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸) حضرت علی(ع) در پاسخ این سخن می فرماید: اگر مصاحبت با پیغمبر سبب شایستگی برای خلافت او می شود، کسی که از خویشاوندان نزدیک پیغمبر هم بوده شایسته تر است.

### نکته ها:

\* خلافت پیامبر مرهون شایستگی های علمی و اخلاقی فراوان است که جز در علی(علیه السلام) وجود نداشت نه صرف مصاحبت با رسول الله و نه خویشاوندی (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* خلافت رسول الله نیاز به نص صریح پیامبر از جانب خداوند است (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه الله خوئی).

\* خلیفه پیامبر(ص) ادامه دهنده راه ایشان به تمام مراتب عالم و نظام هستی است، و باید دارای نبوت انبایی تام باشد.

\* از آنجا که آنها در برابر مخالفان خود به مصاحبت و قرابت استدلال کردند امیرمؤمنان(ع) می خواهد با سخن خودشان دلیلشان را باطل کند، که مؤید فن جدل احسن در علم منطق است.

\* عبارت «أَتَكُونُ الْخِلَافَةَ بِالصَّحَابَةِ وَالْقُرَابَةِ» اشاره به داستان سقیفه است که امام(ع) آنرا باطل اعلان کردند (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* امروزه نیز در داخل و خارج از کشورمان، افرادی هستند که بی تخصص و برای هوس و ثروت‌اندوزی به دنبال پست و مقام هستند.

\* اگر بی تخصص، مسؤولیت را بپذیریم نتیجه‌اش می‌شود امروز کشورهای عربی، که یک کشور مصرف کننده صرف و هزار فرقه هستند.

### چهره واقعی دنیا و سرانجام دنیاپرستان

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّمَا الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَايَا، وَنَهَبٌ تَبَادِرُهُ الْمَصَائِبُ، وَمَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقٌ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ، وَ لَا يَنَالُ الْعَبْدُ نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقِ أُخْرَى، وَ لَا يَسْتَقْبِلُ يَوْمًا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا بِفِرَاقِ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ، فَنَحْنُ أَعْوَانُ الْمُنُونِ وَأَنْفُسُنَا نَصَبُ الْحُتُوفِ فَمِنْ أَيْنَ نَرْجُو الْبَقَاءَ، وَهَذَا اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ لَمْ يَرْفَعَا مِنْ شَيْءٍ شَرْفًا إِلَّا أَسْرَعَا الْكُرَّةَ فِي هَدْمِ مَا بَنِيَا وَتَفْرِيقِ مَا جَمَعَا (حکمت ۱۹۱)

(؛

انسان در این دنیا هدفی است که تیرهای مرگ همواره به سوی او نشانه‌گیری می‌کند و ثروتی است که مصائب، در غارت آن شتاب دارند و بر یکدیگر سبقت می‌گیرند، همراه هر جرعه‌ای گلوگیر شدنی و همراه هر لقمه‌ای (نیز) گلوگرفتنی است، یکی از مشکلات مهم دنیا این است که انسان به نعمتی از آن نمی‌رسد جز با فراق نعمت دیگری، انسان به استقبال هیچ روز از عمرش نمی‌رود جز این که از روز دیگری از عمرش جدا می‌شود، بنابراین ما اعوان و یاران مرگیم و جانمان هدف (عوامل) مرگبار، و با این حال چگونه می‌توانیم امید بقا داشته باشیم، این شب و روز هرگز ارزش چیزی را بالا نبرده جز این که به سرعت باز می‌گردند و آنچه را بنا کرده ویران می‌سازند و هرچه را جمع کرده پراکنده می‌کنند.»

### مقدمه:

امام(ع) چهره واقعی دنیا را به همگان نشان داده و از بی وفایی و ناپایداری و مشکلات گوناگون آن سخن می‌گوید، سخنی که از جان مولا برخاسته و بر جان می‌نشیند، که با این شناخت و به کارگیری، آدمی می‌تواند در دنیا زندگی آخروی و الهی داشته باشد.

### نکته‌ها:

\* «غَرَضٌ» به معنای هدفی است که به آن تیر می‌اندازند (شرح ابن میثم بحرانی).  
\* انسان تا در دایره حدود و تعلقات دنیا است در معرض بلایا است (إِنَّمَا الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَآيَا).

\* در کنار هر لذتی از لذات دنیا خطرات و ناراحتی‌هایی وجود دارد، یا در کنار هر نوشی نیشی است (وَنَهَبُ تُبَادِرُهُ الْمَصَائِبُ، وَ مَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقٌ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ) (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* زندگی خالی از هر گونه ناراحتی، زندگی جاویدان آخرت در بهشت برین است «وَأِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ وَ فَقَطِ سِرَایِ آخِرَتِ، سِرَایِ زَنْدَاقِیِ اسْتِ، اِگَرِ مِی دَانَسْتَنْدِ» (عنکبوت، آیه ۶۴).

\* نعمت‌های دنیا این گونه است که نعمت‌ها با هم جمع نمی‌شوند و همه خوبی‌ها در یک جا جمع نمی‌شود (وَ لَا يَنَالُ الْعَبْدُ نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى، وَ لَا يَسْتَقْبِلُ يَوْمًا مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ) (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* «منون» از ریشه «من» به معنای قطع و نقصان گرفته شده و از آنجا که مرگ عمر انسان را قطع می‌کند و مایه نقصان عدد انسان‌ها می‌گردد به آن «منون» گفته شده است (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* تعبیر به «أَعْوَانُ الْمُنُونِ» یعنی عوامل نابودی، بیماری‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها، جنگ‌ها و حادثه‌های ناگوار هر کدام جان انسان را نشانه گرفته‌اند.

\* مؤید این حکمت، روایت امام صادق (ع) در کافی، ج ۲ است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» که هشدار است برای دل بسته دنیا نشدن (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

## خزانه دار دیگران بودن

قال امیرالمؤمنین (ع): «يَا ابْنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ، فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ (حکمت ۱۹۲)؛ ای فرزند آدم هر چه بیش از مقدار خوراک خود به دست آوری، خزانه‌دار دیگران در آن خواهی بود.»

مقدمه:

غالب مردم حد و اندازه‌ای برای به دست آوردن مال و ثروت قائل نیستند و معتقدند هر چه بیشتر بهتر، اما بهره آنها از اموالشان همان است که مصرف می‌کنند، و این مواد مصرفی تنها گوشه کوچکی از اموال آنها را شامل می‌شود و بقیه را ذخیره می‌کنند، تا سرانجام به فرزندان و سایر بستگان خود بسپارند و با یک کفن بسیار کم ارزش وارد سرای دیگر شوند.

### نکته‌ها:

- \* عبارت «يَا ابْنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ، فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِّغَيْرِكَ» تنبیه صفت حرص و طمع و بخل است (شرح ابن میثم بحرانی).
- \* مقصود امام(ع) از عبارت «يَا ابْنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ، فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِّغَيْرِكَ» آن نیست که انسان تنها به اندازه تحصیل قوت خود تلاش و فعالیت اقتصادی داشته باشد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* باید از طرق حلال تلاش کرد ولی اموالی را که جمع آوری می‌کند، اضافه آن را در راه خدا، برای خدمت به بندگانش صرف کند (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).
- \* ذخیره‌سازی و ثروت‌اندوزی و انبار کردن اموال نادرست است (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).
- \* قرآن در سوره بقره، آیه ۲۱۹ می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ؛ از تو سؤال می‌کنند چه چیز را انفاق کنند؟ بگو از مازاد نیازمندی‌های خود را انفاق کنید».
- \* «عَفْو» در لغت معانی فراوانی دارد، از جمله مقدار اضافی مال و نیز بهترین قسمت مال (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* در واقع بسیاری از کسانی که به اندوختن مال روی می‌آورند، نه حقوق آنرا می‌پردازند و نه صله رحم به جای می‌آورند و نه کار نیک با آن انجام می‌دهند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

### با نشاط کارها را آغاز کنید

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً، فَأَتُوها مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِها وَإِقْبَالِها، فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ (حکمت ۱۹۳)؛

برای دل‌ها علاقه و اقبال و تنفر و ادبار است، هنگامیکه می‌خواهید کاری انجام دهید از سوی علاقه و اشتیاق وارد شوید، زیرا اگر قلب را مجبور به کاری کنند نابینا می‌شود.»

### **مقدمه:**

انسان، گاهی در حال نشاط و علاقه به انجام دادن کاری است و زمانی در حال تنفر و بی‌میلی و بی‌علاقگی است، هر گاه در حال نشاط، کاری را انجام می‌دهد، به نحو احسن و کامل به پایان می‌برد، اما در حالی که تمایلات درونی موافق نیست کار به زحمت انجام می‌شود و ایجاد خستگی و ناراحتی می‌کند.

### **نکته‌ها:**

\* منظور از «قلب» و «قلوب» در این عبارت، فکر و قوه‌ی خیال و در واقع بعد باطنی و مجرد انسان است.

\* عبارت «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالَ وَإِدْبَارًا...» غالباً در عبادات و نوافل (مستحبات) کاربرد زیادی دارد (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* نفس ناطقه آدمی که محکوم احکام جسم است، مانند جسم حالات مختلف دارد.

\* به تعبیر عرفا قلب، گاه در حالت قبض است و گاه در حالت بسط است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* تشویق‌ها برای ایجاد نشاط و بسط بیشتر قلوب، و ایجاد تلاش بیشتر است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* اسلام نیز برای ایجاد نشاط، دستور وضو گرفتن، قرآن و اذان با صدای زیبا و صوت حسن خواندن و... داده است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* اجبار و اکراه در کارها، باعث خراب شدن کارهاست (شرح ابن میثم بحرینی).

\* مراد از کوری قلب همان عدم ادراک صحیح یا ادراک ضعیف قلب است (فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ) (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید).

### **از انتقام بپرهیز**

قال امیرالمؤمنین (ع): «مَتَى أَشْفَى غَيْظِي إِذَا غَضِبْتُ؟ أَحِينَ أَعْجِزُ عَنِ الْإِنْتِقَامِ فَيُقَالُ لِي لَوْ صَبَرْتُ؟ أَمْ حِينَ أَقْدِرُ عَلَيْهِ فَيُقَالُ لِي: لَوْ عَفَوْتُ (حکمت ۱۹۴) ؛

من کی آتش خشمم را فرو نشانم؟ آیا هنگامی که از انتقام ناتوانم، که به من می‌گویند: اگر صبر کنی، بهتر است یا هنگامی که قادر بر انتقامم که به من گفته می‌شود: اگر عفو کنی بهتر است.»

### مقدمه:

اسلام، به ترک انتقام و در پیش گرفتن روش صبر و عفو دعوت می‌کند، زیرا انتقام آتش‌هایی بر می‌فرورد و گاه سرچشمه جنگ‌های خونین و گسترده و دامنه‌دار می‌شود.

### نکته‌ها:

\* در مقابل ظلم و ستم دو راه است: انتقام و قصاص، عفو و گذشت (شرح ابن میثم بحرینی).  
\* گذشت، یا در حالت توان و قدرت بر انتقام است، و یا با ضعف و عدم توانایی بر انتقام است (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* گذشت در حال قدرت را صبر گویند، و گذشت در حال عجز را عفو گویند.

\* در روایات فرمودند: عفو و گذشت، زکات قدرت و پیروزی بر دشمن است (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).

\* قرآن مجید در سوره آل عمران، آیات ۱۳۳ و ۱۳۴ می‌فرماید: «و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان، و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است، و برای پرهیزگاران آماده شده است، کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو می‌برند، و از خطای مردم درمی‌گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

### حقیقت بخل

قال امیرالمؤمنین (ع): «وَقَدْ مَرَّ بِقَدَرٍ عَلَى مَزْبَلَةٍ هَذَا مَا بَخِلَ بِهِ الْبَاخِلُونَ (حکمت ۱۹۵) ؛  
امام (ع) از کنار مزبله‌ای عبور کرد و فرمود: این همان است که بخیلان به آن بخل می‌ورزیدند.»

### مقدمه:

انسان اگر به پایان امور بنگرد، درباره آغاز آن تجدید نظر خواهد کرد، هنگامی که ببیند لذیذترین و پاکیزه‌ترین غذاها بعد از وارد شدن در بدن و جذب موادی از آن، تفاله آن به شکل گندیده‌ای در می‌آید باور می‌کند که آنچه را به آن بخل ورزیده بود اشتباه بود.

### **نکته‌ها:**

\* «مَزْبَلَهُ» همان فضولات و مدفوع انسان است (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).  
\* بخل همان امساک (خود داری) از بخشش در جایی است که باید ببخشد (معراج السعاده ملا احمد نراقی).

\* نتیجه حرام و اعمال زشت، نجاسات و حرام است، و نتیجه حلال و اعمال حسنه، طهارت و سعادت است.

\* امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «دنیا را به منزله میته فرض کن و از آن به مقدار نیازت بگیر، که اگر حلال باشد زهد پیشه کرده‌ای و اگر حرام باشد گناهی در آن نیست، زیرا به مقدار خوردن مردار برگرفته‌ای و اگر عتابی (از سوی خداوند) در آن باشد عتاب آسان و اندکی است». (بحار الانوار، ج ۴۴).

\* هدف از عبارت «وَقَدْ مَرَّ بِقَدَرٍ عَلَى مَزْبَلَةٍ هَذَا مَا بَخِلَ بِهِ الْبَاخِلُونَ» باز داشتن انسان‌ها از بخل و دنیاپرستی و غرق شدن در لذات مادی است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* عبارت «وَقَدْ مَرَّ بِقَدَرٍ عَلَى مَزْبَلَةٍ هَذَا مَا بَخِلَ بِهِ الْبَاخِلُونَ» مواد تفکر است، برای تفکر در اعمال خویش (شرح ابن میثم بحرینی).

### **ضررهای عبرت آموز منفعت است**

قال امیرالمؤمنین (ع): «لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ (حکمت ۱۹۶) ؛

آنچه از مال تو از دست می‌رود و مایه پند و عبرت می‌گردد در حقیقت از دست نرفته است.»

### **مقدمه:**



مال، وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف مختلف است، اگر در مسیر اطاعت فرمان خدا و انجام کارهای مثبت قرار گیرد بهترین وسیله به شمار می‌آید و اگر در مسیر عصیان و گناه و کارهای زیانبار به کار رود بدترین وسیله است.

### نکته‌ها:

- \* مال دنیا، بهترین و بدترین است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* آثار برزخی و عقلی موجودات مادی، باقی است، و ارزش آن چیز را تعیین میکند (لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ) (شرح ابن میثم بحرانی).
- \* مثال استفاده مال در جنبه‌های مثبت و بقای آن، مانند صرف آن برای علم آموختن و یا در راه جهاد فی سبیل الله، انفاق، رفع فقر و... (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).
- \* عبارت «لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ» منحصر به صرف مال و ثروت نیست، بلکه نعمت‌های دیگر که سبب عبرت و بیداری انسان گردد، ضرر محسوب نمی‌شود (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* از دست رفتن عزیزترین عزیزان اگر مایه بیداری و هشدار انسان گردد در واقع مصیبت نیست (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

### راه تحصیل نشاط

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ، فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ (حکمت ۱۹۷)»

این دل‌ها همانند تن‌ها، خسته و افسرده می‌شوند، برای رفع ملالت و افسردگی آنها سخنان حکمت‌آمیز و زیبا و ظریف انتخاب کنید.»

### مقدمه:

این یک واقعیت است که روح و جسم هر دو بر اثر کارهای مختلف خسته می‌شوند، زیرا توان نیروی انسان محدود است و این محدودیت سبب خستگی جسم و جان می‌گردد، اما خدای متعال که انسان

را برای ادامه زندگی آفریده به وی قدرتی داده که می‌تواند جوششی از درون ایجاد کند و این جوشش، نیرو و توان جدیدی برای کارهای مجدد به او بدهد.

### **نکته‌ها:**

- \* اصل در انسان نشاط و سرور برای بندگی است، افسردگی و کسالت در انسان اصل نیست.
- \* روح و جسم ارتباط متقابل باهم دارند، که آثار هر کدام در دیگری اثر دارد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* تفریحات مادی و انواع ورزش‌ها، جسم را نیرو می‌بخشد و تفریحات معنوی، حکمت‌ها، لطیفه‌ها، مزاح‌ها، شعرهای زیبا، داستان‌ها نشاط آور روح است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* گاهی نفوس انسانی از یک نوع علم و دانش زده می‌شوند (شرح ابن میثم بحرانی).
- \* ذکرالله (یعنی در کارها خدا را یاد کردن و برای او انجام دادن) هرچه بیشتر باشد، نشاط بیشتری ایجاد می‌کند.
- \* مزاح درست و کافی در سفر خستگی سفر را برطرف کرده و نشاط آور است (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).
- \* نباید برای رفع خستگی، آلوده گناه شد آنگونه که در دنیای امروز معمول است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

### **باطل در لباس حق**

قال امیرالمؤمنین(ع): «لَمَّا سَمِعَ قَوْلَ الْخَوَارِجِ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ كَلِمَةً حَقًّا يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ» (حکمت ۱۹۸)

؛ ( هنگامیکه این سخن خوارج را شنید، که می‌گفتند «لا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرمود: سخن حقی است که معنی باطلی از آن اراده شده است.»

### **مقدمه:**

قاضی نعمان مغربی در کتاب شرح الاخبار می‌گوید: علی(ع) از صفین باز گشته بود و در مسجد مشغول بیان خطبه‌ای بود که یک نفر از گوشه مسجد شعار «لا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» را سر داد. امام(ع)

سکوت کرد و پاسخی نداد، مقداری گذشت نفر دومی همین شعار را از گوشه دیگر سر داد، باز امام(ع) اعتنایی نکرد، سرانجام جمعی از خوارج با هم این شعار را سر دادند، لذا امام(ع) این کلام را فرمودند.

### **نکته‌ها:**

\* ممکن است انسان با حرف حقی اما با فهم نادرست، به انحراف برود (كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ) (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* امام(ع) سه امتیاز به خوارج دادند(که برای ما آموزش) است: از شرکت در مساجد و نماز خواندن باز نداشتند، و تا زمانیکه هم‌کاری می‌کردند، سهمشان را از بیت المال می‌داد، و اگر آغازگر جنگ نباشند با آنها جنگی نمی‌کردند (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* عبارت «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» منکر حکمیت برای رفع اختلاف توسط قضات و ریش‌سفیدان نیست (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* مراد از عبارت «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» این است که همه باید طبق احکام وارده خدا حکم کنند، هیچ قدرتی در این عالم نمی‌تواند خلاف دستورات خدا حکم صادر کند (جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید).

\* خوارج یا هر گروه دیگری مانند آنها، بر اثر ضعف عقل و حماقت و تعصب شدید نمی‌توانند معنای صحیح «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» را درک کنند (منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله خوئی).

### **هیاهوی اوباش**

قال امیرالمؤمنین(ع): «فِي صِفَةِ الْغَوَّاءِ: هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا غَلَبُوا، وَإِذَا تَفَرَّقُوا لَمْ يُعْرِفُوا» (حکمت ۱۹۹)؛

حضرت در وصف این گروه از اوباش می‌فرماید: آنها کسانی هستند که هر وقت هماهنگ شوند غالب می‌گردند و هنگامیکه پراکنده شوند شناخته نخواهند شد.

### **مقدمه:**

جوامع انسانی از گروه‌های مختلفی تشکیل می‌شود: نخست افراد عاقل که آلت دست این و آن نمی‌شوند، دوم توده‌های کم اطلاع و پایبند به اصول اخلاق و ایمان که آنها نیز برپایه ایمان در گروه‌های شرور شرکت نمی‌کنند، سوم گروهی که سطح پایینی از فکر و اخلاق دارند، که در میان آنها گاه افراد شرور و موذی نیز یافت می‌شود.

### نکته‌ها:

- \* جمع و جمعیت قدرت‌آور و موجب غلبه است (هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا غَلَبُوا).
- \* گاهی انسان تنها که باشد شرارت نمی‌کند، اما وقتی در جمع قرار می‌گیرد صفت شرارتش ظهور می‌کند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* می‌توان با پراکنده کردن افراد اوباش و تربیت آنها، در اجتماع، در حرفه‌های مورد نیاز از آنها بهره برد (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).
- \* هنر مردان خدا این است که افراد اوباش اجتماع را در سطح عقلا جامعه بالا ببرند.
- \* شناخت افراد شرور و کنترل آنها برای سعادت و امنیت اجتماع، منافاتی با روابط محترمانه با آنها در وقت خودش ندارد.

### غوغا طلبان

قال امیرالمؤمنین (ع): «وَأَتَى بَجَانَ وَمَعَهُ غَوَّغَاءُ، فَقَالَ لَا مَرْحَبًا بِوُجُوهِ لَا تُرَى إِلَّا عِنْدَ كُلِّ سَوَاءٍ» (حکمت ۲۰۰)؛

جنایتکاری را خدمت آن حضرت آوردند و عده‌ای از اوباش همراه او بودند (گویا می‌خواستند مجازات او را تماشا کنند) امام (ع) فرمود: خوش آمد مباد بر چهره‌هایی که جز به هنگام حوادث بد دیده نمی‌شوند.»

### مقدمه:

**همواره گروهی** در جوامع بشری در پی حضور در حوادث جنجالی هستند، زمانیکه دو نفر با هم در خیابان دعوا کنند، جمع می‌شوند، نه برای میانجیگری، بلکه برای اینکه آن صحنه زشت را بنگرند، روایات ما شدیداً این صفت بد را نهی می‌کند.

## نکته‌ها:

\* نباید از بدی یا عذاب دیگران شاد شویم، حتی اگر از اوباش باشیم (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* شادی کردن در غم و مصیبت دیگران باعث قساوت قلب و بی‌رحمی می‌شود، که با فطرت انسان و فطره‌الله مغایرت دارد.

\* «مرحبا» از ماده «رحب» به معنای وسعت مکان است یعنی بفرمایید که در محل وسیع و مناسبی وارد شده‌اید، ضد آن «لأمرحبا» است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* در قرآن مجید و روایات دستور داده شده است اجرای حد در حضور جمع باشد تا مایه عبرت مردم گردد، اما این جمعیت برای عبرت نیامدند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

## اجل همچون سپری محافظ است

قال امیرالمؤمنین (ع): «إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَکَیْنِ یَحْفَظَانِهِ، فَإِذَا جَاءَ الْقَدْرُ خَلَّیَا بَیْنَهُ وَبَیْنَهُ، وَإِنَّ الْأَجَلَ جَنَّةٌ حَصِیْنَةٌ (حکمت ۲۰۱)»؛

همراه هر انسانی دو فرشته است که وی را محافظت می‌کنند، اما هنگامی که روز مقدر فرا رسد او را در برابر حوادث رها می‌سازند و اجل و سرآمد زندگی، سپری است محافظ و نگهدار.»

## مقدمه:

ملائیکه و موجودات مجرد، از واقعیت‌هایی است در آیات قرآن و روایات و عقلاً مورد تأیید و قابل اثبات است، و اینکه ملائیکه در عالم مسؤولیت‌هایی از جانب خدا دارند، و به اذن خدا رفع بلا و خادمانی برای انسان‌ها هستند.

## نکته‌ها:

\* حقیقت مرگ برای انسان و هر موجودی که دارای نفس باشد، حتمی است (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ).

\* انسان دارای دو اجل است: یکی اجل حتمی (که غیر قابل اجتناب است) و دیگر اجل معلق یا مشروط (که قابل پیش‌گیزی و اجتناب است) (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* قرآن مجید در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران به اجل حتمی اشاره میکند، آنجایی که، درباره کسانی که (بعد از حادثه احد) گمان‌های نادرستی به خدا می‌بردند و می‌گفتند: اگر بنا بود ما پیروز شویم در اینجا کشته نمی‌شدیم می‌فرماید: «ای پیغمبر! به آنها بگو، اگر در خانه‌هایتان هم بودید آنهایی که مقرر بود کشته شوند قطعاً به سوی قتلگاه خود بیرون می‌آمدند - و به قتل می‌رسیدند».

\* خداوند افعال و اعمال عالم را با واسطه موجودات مجرد مانند ملائکه انجام می‌دهد (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* اسباب اجل در وفات انسان‌ها مواردیست مانند: انواع بیماری‌ها، خطرات رانندگی، زلزله‌ها و طوفان‌ها و...

\* در بحارالانوار، ج ۵ آمده که امیرمؤمنان(ع) در زیر دیوار کجی نشسته بود، هنگامیکه چشمش به وضع دیوار افتاد از زیر آن دیوار بلند شد و در جای امنی نشست، کسی عرض کرد: از قضای الهی فرار می‌کنی؟ امام(ع) فرمود: من از قضای الهی به قدر الهی فرار می‌کنم.

## بیعت مشروط!

قال امیرالمؤمنین(ع): «وَقَدْ قَالَ لَهُ طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ: نُبَايِعُكَ عَلِيٌّ أَنَا شُرَكَاءُكَ فِي هَذَا الْأَمْرِ: لَا، وَلَكِنَّا كَمَا شَرِيكًا فِي الْقُوَّةِ وَالْأُسْتَعَانَةِ، وَعَوْنًا عَلَى الْعَجْزِ وَالْأُودِ (حکمت ۲۰۲) ؛

امام(ع) در پاسخ طلحه و زبیر، آنجا که به امام پیشنهاد خلافت شورایی کردند و گفتند با تو بیعت می‌کنیم به این شرط که در حکومت شریک باشیم، به آنها فرمود: نمی‌شود، شما شریک در تقویت و کمک و یار و یاور به هنگام ناتوانی و سختی و مشکلات باشید».

## مقدمه:

در بعضی از منابع معروف آمده است آن روز که زبیر با امام(ع) بیعت کرد امام به او فرمود: من از این می‌ترسم که تو پیمان خود را بشکنی، عرض کرد: هرگز بیم نداشته باش تا ابد چنین کاری را نخواهم کرد، امام فرمود: آیا خداوند شاهد و گواه بر این موضوع باشد، عرض کرد: آری، چیزی نگذشت که آن دو به امیرمؤمنان(ع) عرض کردند: می‌دانی در زمان عثمان چه اندازه به ما جفا شد و او همواره طرفدار بنی امیه بود، اما اکنون که خداوند خلافت را به تو سپرده بعضی از این فرمانداری‌ها را در اختیار ما بگذارد.

## نکته‌ها:

- \* طلحه و زبیر، مظهر افراد خادم و پر تلاشی هستند که نتوانستند این نعمت الهی را حفظ کنند.
- \* انسان، تا آخرین لحظه در معرض خطر انحراف است.
- \* بیعت به شرط، با امام، توهین و بی‌ادبی به حجت خداست.
- \* دشمنان حضرت علی(ع)، اهل توطئه و سیاست‌های مکارانه و دور از تقوا و پرهیزگاری بودند (شرح ابن میثم بحرانی).
- \* شراکت در خلافت و امامت، به دو دلیل ممنوع است: یکی اینکه امامت امر الهی و نصب از جانب خدا و پیامبر است، دیگر اینکه حاکم باید یک نفر باشد تا اختلاف در حکم ایجاد نشود و باعث فساد نشود (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).
- \* در خدمت به امام و مردم باید با اخلاص اقدام کرد، و هدف خدمت باشد نه کسب جاه و مقام (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* حاکم اسلامی به افراد متخصص و تخصص آنها، برای اجرای حکومت اسلامی نیاز دارد.

## اندرزی بسیار حکیمانه

قال امیرالمؤمنین(ع): «أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِذَا قُلْتُمْ سَمِعَ، وَإِنْ أَضْمَرْتُمْ عَلِمَ، وَبَادِرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِذَا هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ، وَإِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ، وَإِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرَكُمْ (حکمت ۲۰۳) ؛ ای مردم! از خدایی بترسید که اگر سخنی بگویید می‌شنود و اگر چیزی را در دل پنهان دارید می‌داند و بر مرگ پیشی گیرید که اگر از آن فرار کنید به شما دست می‌یابد و اگر بایستید شما را می‌گیرد و اگر فراموشش کنید شما را فراموش نخواهد کرد.»

## مقدمه:

فلسفه شریعت و دستورات دین این است که ما به این نقطه برسیم که این عالم خالق دارد حکیم و شاهد، که خودش قاضی است و مرگ را محرک ما به سوی خودش قرار داده است.

## نکته‌ها:

\* قرآن در آیه ۷ سوره «مجادله» می‌فرماید: «آیا نمی‌دانی که خداوند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند، هیچ‌گاه سه نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر این که خدا چهارمین آنهاست، و...»

\* ترس از خدا یعنی ترس از فراق و جدایی از خدا به واسطه گناهان خویش، و اینکه این گناهان آثار سوء دارند که دچارشان می‌شویم (شرح ابن میثم بحرانی).

\* اگر انسان بر جانش حاکم کند که خدا همیشه او را می‌بیند و به همه چیزش آگاه است هرگز گناه نمی‌کند (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* توجه به خدا، در ترک حرام به انسان قدرت می‌دهد.

\* همه انسان‌ها باید خودشان را آماده پذیرش مرگ کنند.

\* توجه و یاد مرگ، تعلقات توجه به غیرالله را از دل آدمی خارج می‌کند.

\* از نشانه‌های انسان‌های مؤمن و صالح، این است که مرگ را به راحتی می‌پذیرند.

## تو نیکی کن هر چند سپاسگزاری نکنند

قال امیرالمؤمنین (ع): «لَا يُزْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ، فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَقَدْ تُدْرِكُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ: وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (حکمت ۲۰۴)»

به علت ناسپاسی افراد، از کار نیک مضایقه نکنید، چرا که گاه کسی از تو سپاسگزاری می‌کند که از عمل نیکت هیچ بهره‌ای نبرده و چه بسا همین شکرگزاری اثرش بیش از ناسپاسی افراد ناسپاس باشد و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

## مقدمه:

همان گونه که انسان باید شکر نعمت‌های پروردگار را بگذارد، هرچند هیچ انسانی قادر بر این کار نیست، حداقل اعتراف به عدم توانایی شکر نعمت کند که این خود نوعی شکر نعمت است، باید در برابر انسان‌ها نیز همین حالت را داشته باشد و شکر خالق بدون شکر خلق، همان خلقی که واسطه نعمت بوده، کامل نمی‌شود.



## نکته‌ها:

- \* مردم دو گروهند: افراد پر توقع و ناسپاس، و افراد شکرگذار و قدر دان (مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ، فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ) (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* «المعروف» هر عمل خیری است، چه عبادات شخصی، و چه خدمات اجتماعی برای جمیع مخلوقین.
- \* یکی از آفات کار خیر دلسرد شدن از انجام آن است (لَا يُزَهِّدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ) (شرح ابن میثم بحرنی).
- \* علت دلسردی از معروف یا ناسپاسی دیگران است، یا تنبلی شخص، یا ایمان ضعیف و کفر درونی.
- \* انسان باید معروف را برای رضای الهی و خالصاً لوجه‌الله انجام دهد.
- \* افرادی که با ناسپاسی دیگران از معروف مضایقه میکنند، یکی از درمان‌هایش توجه به قدردانی افراد سپاسگذار است.
- \* کار نیک جاذبه فوق العاده‌ای دارد که فطرت‌های پاک و قدردان، که هم‌سنخ معروف‌اند را به خود جذب می‌کند.
- \* غالباً افراد شاکر معروف بسیار کم است (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).
- \* اجر کار خیر، هیچ‌گاه از بین نمی‌رود ( منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

## وسعت پیمانۀ علم

قال امیرالمؤمنین(ع): «كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ، فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ (حکمت ۲۰۵) ؛ هر ظرفی بر اثر قرار دادن چیزی در آن از وسعتش کاسته می‌شود مگر پیمانۀ علم که هر قدر از دانش در آن جای گیرد وسعتش افزون می‌گردد.»

## مقدمه:

ما هرگز نباید از فراگیری علوم خسته شویم که واقعاً نیز خسته کننده نیست، بلکه نشاط آور و روح پرور است، هنگامیکه انسان می‌بیند در کنار نهالی که از یک مسئله علمی در سرزمین مغز خود

کاشته نهال‌های دیگری جوانه می‌زند و می‌روید و اطراف خود را پر گل می‌کند، قطعاً به شوق و نشاط می‌آید.

### **نکته‌ها:**

- \* اصل در عالم ماده این است که ظرف از مظلوفش ضیق و پر می‌شود (شرح ابن میثم بحرانی).
- \* اصل در عالم مجردات (عالمی که از ماده و وزن و جرم خالی باشد) این است که مظلوف، ظرفش را ضیق نمی‌کند، بلکه ظرف مجرد وسیعتر می‌شود (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* مراد از عبارت «وَعَاءَ الْعِلْمِ» نفس ناطقه انسان یا همان روح و بعد مجر و باطنی انسان است (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* اگر کسی در کسب علم خسته می‌شود دال بر این است که بعد مجردش مغلوب احکام و خواص جسمش می‌باشد.
- \* یکی از بخش‌های نفس ناطقه انسان، حافظه انسان است که همه چیز را در خود حفظ می‌کند در حالی که قوای مادی این چنین نیست (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* قناعت و توقف بر جهل باعث هلاکت انسان است (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* امام صادق (ع) در بحارالانوار ج ۷۵ فرمودند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِخَوْضِ اللَّجَجِ وَسَفْكِ الْمُهْجِ؛ در طلب دانش باشید هرچند برای تحصیل آن در دریاها فرو روید و خون خود را فدا کنید».

### **در برابر جاهلان بردبار باش**

قال امیرالمؤمنین (ع): «أَوَّلُ عَوْضِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنْ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ (حکمت ۲۰۶)؛ نخستین نتیجه‌ای که شخص بردبار از بردباری خود می‌برد این است که مردم در برابر جاهل و نادان از وی حمایت خواهند کرد».

### **مقدمه:**

بسیاری از افراد جاهل و نادان پرادعا، بلندپرواز و پرخاشگرنند، از اینرو هنگامیکه در برابر دانشمند وارسته‌ای قرار گیرند، برای اظهار خودنمایی ممکن است انواع اهانت‌ها را روا دارند، حال اگر شخص عالم و با ایمان و متقی بخواهد در برابر آنها عکس‌العمل نشان دهد، مقام خود را پایین آورده است.

## نکته‌ها:

- \* حلم یعنی انسان خشمگین نشود و پرخاشگری نکند، در واقع پیشگیری صفت غضب در مقابل اهانت جاهلان است (معراج السعادة ملا احمد نراقی).
- \* راه از بین بردن اهانت و جهل جاهلان، حلم و تحمل و بی‌توجهی در مقابل آنها است ( منہاج البراعة فی شرح نہج البلاغہ آیة‌اللہ خوئی).
- \* حلم نشانه عقل است، یعنی حلیم کسی است که قوۀ عاقلہ آن قوی باشد (شرح نہج البلاغہ آیة‌اللہ مکارم شیرازی).
- \* کسی که در مقابل جاهل حلیم باشد، نشانه درستی راه اوست، وفطرت سالم آنرا می‌پذیرد (شرح ابن میثم بحرینی).
- \* حلم از صفات عبادالرحمان یعنی بندگان خاص خداست (شرح نہج البلاغہ آیة‌اللہ مکارم شیرازی).
- \* قرآن مجید در سوره فرقان آیه ۶۳ می‌فرماید: «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ و (عبادالرحمان ( هنگامیکه جاهلان آنها را مخاطب سازند، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند) «.
- \* قرآن در سوره توبه آیه ۱۱۴ در مقام مدح حضرت ابراهیم و در جاهای دیگر در مدح انبیای پیشین از صفت حلم نام برده است.

## راه تحصیل بردباری

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ، فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ» (حکمت ۲۰۷)؛

اگر حلیم و بردبار نیستی خود را به بردباری وادار کن، زیرا کمتر شده است کسی خود را شبیه قومی کند و سرانجام از آنان نشود.

## مقدمه:

وقتی حادثه خشم‌آوری واقع می‌شود و انسان از درون می‌جوشد، ولی خودش را کنترل کند و قیافه‌ای همچون حلیمان به خود بگیرد، این کار در نخستین بار ممکن است بسیار مشکل باشد ولی هرچه تکرار شود آسان‌تر می‌گردد تا زمانی که در انسان تبدیل به ملکه می‌شود.

### نکته‌ها:

\* یکی از راه‌های ایجاد صفت حلم تلقین و وادار کردن خود به آن صفت است (إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ) (شرح ابن میثم بحرینی).

\* روش تلقین و وادار کردن، برای تمام صفات حمیده جاری و قابل استفاده است (قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ) (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* وادار کردن خود به صفت حمیده‌ایی، با ریا در آن صفت، در نیت متفاوت است، تلقین، به نیت ایجاد آن صفت در درون است، اما ریا برای کسب رضایت دیگران و فریب دادن آنهاست.

\* روش دیگر کسب صفت حلم این است که، از هر چیزی که نفس انسان را ضعیف می‌کند و باعث زود عصبی شدن می‌شود دوری کند (معراج‌السعادة ملا احمد نراقی).

\* از موارد غضب‌آور عبارتند از: پر خوری، هم‌نشینی با افراد عصبی مزاج، تکبر، حسادت، ضعف نفس (معراج‌السعادة ملا حمد نراقی).

### شش اندرز ناب

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحًا، وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِيرًا، وَمَنْ خَافَ أَمِنَ، وَمَنْ اِعْتَبَرَ أَبْصَرَ، وَمَنْ أَبْصَرَ فَفِيهِمْ، وَمَنْ فَهِمَ عَلِمَ (حکمت ۲۰۸) ؛

هر کس به حساب خود برسد سود می‌برد و آنکس که غافل بماند زیان می‌بیند، کسی که (از خدا) بترسد ایمن می‌گردد و کسی که عبرت گیرد بینا می‌شود و آن کس که بینا گردد (حقایق را) می‌فهمد و آن کس که (حقایق را) بفهمد دانا می‌شود.»

### مقدمه:

توجه به نصیحت و دستورالعمل‌های اهل بیت(ع) بخصوص امیرالمؤمنین(ع)، باعث سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌شود، گره از کارها می‌گشاید، امنیت و آرامش واقعی حاصل می‌شود.

## نکته‌ها:

- \* حسابرسی باعث توجه و مقام حضور در محضر الهی، و دوری از غفلت می‌شود (شرح ابن میثم بحرانی).
- \* غفلت، باعث جهل و هلاکت و ضرر و عدم اصلاح امور است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* حسابرسی در امور مادی و معنوی هر دو، باعث سود و سعادت است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* از نشانه‌های شیعه واقعی اهل بیت (ع) حسابرسی اعمال است.
- \* خوف از خدا، یعنی خوف از عدالت و مجازات‌های عادلانه او، که آدمی با گناهان با آن مواجه می‌شود، در واقع خوف فراق است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* خوف و رجاء در مؤمن باید در اعتدال باشد (معراج السعادة ملا حمد نراقی).
- \* منظور از عبرت گرفتن این است که انسان حادثه‌ای را که می‌بیند، نخست به مقدماتی که آن را تشکیل داده و آثاری که بر آن مترتب می‌شود توجه کند، سپس مشابه آن را در زندگی خود در نظر بگیرد، و از آن دوری کند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* بصیرت یعنی تشخیص بین حق و باطل، که باعث ادراک و علم صحیح به احکام و خصوصیات اشیاء می‌شود.

## آینده از آن ماست

قال امیرالمؤمنین (ع): «لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلَدِيهَا، وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (حکمت ۲۰۹) ؛ دنیا همچون شتر بدخویی است که بعد از چموشی به ما روی می‌آورد و همچون شتری است که دوشنده شیر را گاز می‌گیرد تا شیر را برای فرزندش نگه‌داری کند، سپس امام آیه ۵ سوره «قصص» را تلاوت فرمود: ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنها را پیشوایان و وارثان آن قرار

**مقدمه:**

دنیا، صفات و احکامی دارد، که نسبت به توجه به هر صفتی، به نامی مسمی، و دارای اثر و ظهوراتی می‌شود، شناخت هر یک از این صفات و آثار، معرفت کاملی می‌تواند ایجاد کند.

**نکته‌ها:**

\* دنیا به دست انسان‌ها، به صورت امانت در گردش است (لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا) (شرح ابن میثم بحرینی).

\* دنیا کاملاً به کام و بر وفق مراد انسان نیست، بلکه گاهی به کام آدمی است و گاهی بر خلاف محاسبات انسان است (عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَكْدِهَا).

\* عبارت «نرید» فعل مضارع است و دلالت بر استمرار دارد، لذا گرچه در مورد پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان است، اما منحصر به آنها نیست، بلکه برای همه مؤمنین مستعطف حاکم است (شرح نهج البلاغه آیة‌الله مکارم شیرازی).

\* آیه «وَوُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» آیه ۵ سوره قصص «از آیاتی است که در روایات فرمودند: اشاره به ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) دارد (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیة‌الله خوئی).

\* امیرمؤمنان علی(ع) در بحار الانوار، ج ۵۱ در تفسیر آیه «وَوُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» فرمود: «منظور از مستضعفان آل محمد است که خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد شده بر می‌انگیزد و به آنها عزت می‌بخشد و دشمنانشان را خوار و ذلیل می‌کند» (شرح نهج البلاغه آیة‌الله مکارم شیرازی).

**این گونه تقوا پیشه کنید**

قال امیرالمؤمنین(ع): «اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ شَمَرَ تَجْرِيداً، وَجَدَّ تَشْمِيراً، وَكَمَّشَ فِي مَهْلٍ، وَبَادَرَ عَن وَجَلٍ، وَنَظَرَ فِي كَرَّةِ الْمَوْئِلِ وَعَاقِبَةِ الْمَصْدَرِ، وَمَغْبَةِ الْمَرْجِعِ (حکمت ۲۱۰)؛

تقوای الهی پیشه کنید، تقوای کسی که برای اطاعت خدا دامن به کمر زده در حالی که خود را از (علائق مادی) جدا ساخته و سخت (در این راه) می‌کوشد و با بصیرت در راه خدا با چابکی گام برمی‌دارد و از ترس اعمال خود، به سرعت (به سوی مغفرت الهی) پیش می‌رود و در بازگشت به پناهگاه اصلی (آخرت) و به سرانجام زندگی و عاقبت کار می‌اندیشد.»

### مقدمه:

می‌دانیم تقوا و پرهیزگاری بهترین زاد و توشه سفر آخرت و والاترین نشانه شخصیت انسان و قرب او در درگاه خدا و جواز عبور از دروازه های بهشت است، ولی تقوا مراحلی دارد که بستگی زیادی به انگیزه‌های آن و نشانه‌هایی در آثار آن دارد

### نکته‌ها:

\* تقوا در انسان‌ها و جن‌ها مطرح است، ولی در مورد حیوانات و گیاهان تقوای مورد نظر در شریعت، مطرح نیست.

\* در تقوا باید همت و تلاش و استقامت داشته باشیم (اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ شَمَّرَ تَجْرِيداً، وَجَدَّ تَشْمِيْرًا) (شرح ابن میثم بحرانی).

\* در تقوا جای مسامحه و سهل‌انگاری نیست بلکه باید به جد باشد و راهش قطع تعلق کامل از دیگران است (وَجَدَّ تَشْمِيْرًا) (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* اگر در تقوا دقت نداشته باشیم مصداق مفسد فی الارض می‌شویم (یعنی کسی که گناه و خطایی را ترک می‌کند اما مجدد به آن گناه و خطا مبتلی می‌شود).

\* از ویژگی‌های تقوای واقعی این است که اعمال را به وقت خودش و بدون تنبلی تأخیر انجام دهد (وَكَمَّشَ فِي مَهَلٍ) (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* تقوا باید برای الله باشد، و "من" خویش را نبیند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* تقوای واقعی آن است که صاحبش را عاقبت بخیر کند و شخص جهت تکامل، وارد بهشت برین شود (وَنظَرَ فِي كَرَّةِ الْمَوْتِ وَعَاقِبَةِ الْمَصْدَرِ، وَمَغْبَةِ الْمَرْجِعِ) (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

## مناسبت‌ها:

روز: بیستم صفر (۲۷ مهر)

### مناسبت: اربعین حسینی

قال ابو محمد الحسن العسكري (ع): «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خُمْسٌ: صَلَاةُ الْخَمْسِينَ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُّمُ فِي الْيَمِينِ، وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (وسایل الشیعه ج ۱۰) ؛

نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: پنجاه رکعت نماز (نماز یومیه و نمازهای نافله)، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، جبین را در سجده بر خاک گذاردن، بسم‌الله الرحمن الرحیم را در نماز بلند گفتن.»

### مقدمه:

آیت الله جوادی آملی فرمود: در عدد اربعین خصوصیتی وجود دارد که در سایر ارقام، آن خصوصیت وجود ندارد، غالب انبیا در سن چهل سالگی به مقام رسالت رسیده‌اند، مدت مناجات حضرت موسی (ع) در کوه طور چهل شب بود، گفته‌اند در نماز شب ۴۰ مومن را دعا کنید، برای حسین بن علی (ع) آسمان و زمین چهل روز گریستند.

### نکته‌ها:

\* علت پیداروی اربعین، حرکت جابر بن عبدالله انصاری است، که در این ایام به زیارت قبر امام حسین (ع) مشرف شد.

\* مؤمن حقیقی، بعد از چهل روز ناراحتی بر مصیبت امام حسین (ع) به زیارت امام حسین (ع) نایل می‌شود.

\* زیارت‌نامه‌ای برای روز اربعین از امام صادق (ع) نقل شده است، که شیخ عباس قمی این زیارت‌نامه را در مفاتیح الجنان در باب سوم بعد از زیارت عاشورا غیر معروفه، با عنوان زیارت اربعین نقل کرده است.



\* امام جعفر صادق(ع) فرمودند: «کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین(ع) رود، خداوند متعال به هر قدمی که برمی‌دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می‌فرماید و هزار درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد.»

\* در دعای امام صادق(ع) برای زائران حسین(ع) آمده است: «خداوندا دشمنان ما به خاطر خروج شیعیان برای زیارت، بر آنها عیب می‌گیرند، اما بر خلاف میل دشمنان، این دشمنی‌ها مانع حرکت و خروج شیعیان به سوی ما نشد پس بر آن صورت‌هایی که تابش خورشید رنگ آنها را تغییر می‌دهد رحم کن.»

\* زیارت باید برای رضای خدا باشد و اهتمام به نماز و حجاب و همکاری با انتظامات رعایت شود.  
\* استفاده از حضور مبلغان دینی و معرفی اسلام ناب محمدی(ص) شکر این نعمت، یعنی جمعیت مردمی، است.

\* باید از بدعت در عزاداری پرهیز کرد و به روش‌های مورد تایید روایات عمل کرد.

\* وحدت و پرهیز از اختلافات را باید در بین مردم حاکم کرد.

\* زیارت باید موجب تغییر در زندگی زائران باشد.

## روز: بیست و هشتم صفر (۵ آبان)

### مناسبت: رحلت حضرت رسول اکرم(ص)، شهادت امام حسن مجتبی(ع)

قال الله تعالى: «لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيراً» (سوره احزاب آیه ۲۱)؛

البته برای شما در زندگی، رسول خدا سرمشق نیکویی است برای آنها که امید به رحمت خداوند و روز رستاخیر دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

### مقدمه:

پیامبر اسلام (ص) انسان کامل و خاتم انبیاء الهی است که واجد همه مزایای مشترک انبیای پیشین است، قرآن کریم برخی از خصوصیت‌ها را ویژه ایشان قرار داده که انبیای دیگر فاقد آن بوده‌اند و تا روز قیامت کسی به این ویژگی‌ها متصف نخواهد شد.

## نکته‌ها:

- \* اعمال و کلام جناب رسول‌الله(ص) کاملاً قرآن بود.
- \* خداوند نطفه پاک پیامبران را در بهترین جایگاه به ودیعت نهاد و در بهترین مکانها آنها را مستقر ساخت.(نهج البلاغه، خطبه ۹۴)
- \* پیامبر باید معصوم باشد تا سخنان او قابل اعتماد باشد، پیامبر نباید دچار سهو گردد و نباید صفاتی که باعث نفرت مردم می‌گردد از قبیل پستی پدران و ناپاکی مادران داشته باشد (کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد جناب خواجه "ره")
- \* امام صادق(ع) در بحار الانوار، ج ۱۶ می‌فرماید: «ان الله ادب محمداً (ص) فاحسن تأدیهه ؛ خداوند محمد(ص) را ادب نمود و چه خوب او را تربیت کرد.»
- \* قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۶۴ فرمود: «خداوند بر اهل ایمان منت نهاد که رسولی از خود آنها در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوس آنها را از نقص و آرایش پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت را بیاموزد، هر چند قبل از آن در گمراهی آشکار بودند.»
- \* صفات و ویژگیهای نبی گرامی اسلام (ص) در نهج البلاغه، عبارتند از: امانت داری، استقامت و پایداری در مسیر دعوت به حق و جهاد در این راه، شجاعت و فداکاری، رسول رحمت، برترین پیامبران، خاتم پیامبران، توجه به حقوق مردم
- \* از فواید بعثت نبی گرامی اسلام (ص) ایجاد روحیه اخوت و برادری است.
- \* قرآن در سوره مدثر آیه ۱ فرمود: «يا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ؛ ای جامه خواب به خود پیچیده (و در بستر آرمیده)!» در حدیث است که خطاب «مدثر» به اعتبار رجعت نبی مکرم، پیش از قیامت است، یعنی: ای کسی که خود را به کفن پیچیده‌ای! زنده شو و برخیز و بار دیگر مردم را از عذاب پروردگار خود بترسان (تفسیر قمی، علی ابن ابراهیم ج ۲).
- \* امام صادق(ع) فرمود: هیچ پیامبر و وصی پیامبری نیست الا اینکه به شهادت می‌رسد، یعنی در راه خدا کشته خواهد شد (بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص) ج ۱ و منتهی الامال شیخ عباس قمی).
- \* آنچه از روایات استنباط می‌شود این است که جناب رسول‌الله نیز به اثر سمّ زن یهودی شهید شدند.

## شهادت امام حسن مجتبی (ع)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوَثْقَى الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ فَلْيُؤَالَ [فَلْيَتَوَلَّ] عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ (ع) فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُمَا مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ (كامل الزيارات (

کسی که می خواهد به ریسمان محکم خدا که حضرتش در قرآن از آن یاد کرده چنگ بزند باید علی بن ابی طالب (ع) و حسن و حسین (علیهما السلام) را دوست بدارد زیرا که خداوند متعال از فوق عرش این دو را دوست دارد.

### مقدمه:

یکی از القاب امام حسن مجتبی (ع) «سید» است، طبق نقل صحیح و روایات فراوانی که راویان حدیث و حافظان روایت نقل نموده اند، رسول خدا خطاب به امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «همانا این فرزندانم سید و آقا است، طبق این تعریف بالاترین القاب آن حضرت «سید» می باشد.

### نکته ها:

\* رسول الله (ص) فرمودند: «من سرور پیامبران و علی بن ابیطالب سرور اوصیا و حسن و حسین سروران جوانان اهل بهشت هستند و امامان پس از ایشان سروران پرهیزگاران و یاری کننده ما یاری کننده خدا است (الأمالی للصدوق).

\* حضرت محمد (ص) فرمودند: «لو كان العقل رجلا لكان الحسن ؛ اگر عقل، خود را به صورت مردی نشان دهد، آن مرد، حسن (ع) است (فرائد السمطين ج ۲).

\* امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «هر کسی که خداوند را عبادت و اطاعت کند، خدای متعال همه چیزها را مطیع او گرداند (مجموعه ورام).

\* امام حسن (ع) شغل باغداری داشت، در جنوب مدینه، نخلستان های وسیعی است که هنوز هم هست.

\* امام حسن (ع) به شدت اهل رفاقت بود.

\* امام حسن (ع) اهل نامه نگاری بودند، به دوستان و دشمنان نامه می نوشتند.

\* امام حسن(ع) بسیار خوش رو و خوش پوش بود.  
\* آن بزرگوار، انس شدیدی با قرآن داشت و صوتی زیبا در قرائت قرآن داشت و علوم قرآن را از کودکی به نیکی می دانست.

## روز: سی ام صفر (۷ آبان)

### مناسبت: شهادت امام رضا(ع)

قال رسول الله(ص): «ستدفن بضعه منی بخراسان ما زارها مکروب الا نفس الله کرته ولا مذنب الا غفر الله ذنوبه (عیون اخبار الرضا ج ۲) ؛

پاره تن من در خراسان دفن خواهد شد، هیچ گرفتار و گنه کاری او را زیارت نکند جز این که خداوند گرفتاری او را برطرف سازد و گناهانش را ببخشد».

### مقدمه:

از القاب امام رضا(ع) مکیده الملحدین است، زیرا بر اشتباهات و خطاهای مخفی ملحدان، خطّ بطلان می کشید و تصورات آن ها را رد می کرد و این از طریق مناظره هایی بود، که در کاخ عباسیان برگزار می شد، و در جریان آن مناظرات، حضرت اصول اسلامی و ارزش های آن را تثبیت می کرد، از اینرو به ایشان لقب «مکیده الملحدین» داده شد.

### نکته ها:

\* العبد بهجت فرمود: لازم نیست حوائج خود را در محضر امام بشمرید، حضرت می دانند، مبالغه در دعاها نکنید، زیارت قلبی باشد، در موقع ورود اذن دخول بخواهید، اگر حال داشتید به حرم بروید.  
\* اخلاق و رفتار امام رضا(ع) با خانواده اش بسیار مهربانانه بود، به علت زندانی بودن پدر، مسؤولیت خانواده به دوش ایشان(ع) بود.

\* العبد بهجت فرمودند: خیلی ها از حضرت رضا(ع) سؤال کردند و خواستند و جواب شنیدند، در نجف، در کربلا، در مشهد مقدس (بعد منزل نبود در سفر روحانی).  
\* اولین نکته اساسی برای زائر، معرفت داشتن به حق امام(ع) است.  
\* هر کس امام رضا(ع) را زیارت کند، مانند آن است که خداوند را در عرش زیارت کرده باشد.

\* زیارت؛ انسان را از سرگردانی نجات می‌دهد و به دارالسلام می‌رساند.

\* زیارت، یکی از راه‌های ابراز ارادت و علاقه به اهل بیت(ع) است.

\* زیارت اهل بیت سبب می‌شود انسان از اشتغال به دنیا بکاهد و به امور معنوی متوجه شود.

\* زیارتنامه‌ها متونی هستند که شناختمان را نسبت به توحید، سیره و افکار و اهداف ایمه(ع) افزایش می‌دهد، و شیوه حضور مؤمنان در این اماکن را توضیح می‌دهد.

\* از آداب زیارت اینکه: در آستان قدس بسیار مودب بودن، همیشه به امام(ع) توجه داشتن، از گفتگو با دیگران خودداری کردن، با خضوع و خشوع ایستادن، با تواضع و فروتنی نشستن، سر را به زیر انداختن، و جا را برای زوآر تنگ نکردن، زیارتنامه را بسیار آهسته خواندن و با آواز نخواندن و فریاد نکشیدن، پس از انجام زیارت به زودی از حرم بیرون آمدن.

\* گردیدن دور ضریح، از آداب زیارت نیست.

\* راه معرفت در زیارت امام(ع): اینکه نسبت به مقام و منزلت امام(ع) مطالعه کنیم، حرکت قدم به قدم در پشت سر امام و الگو قرار دادن امام، نسبت به تمامی حرکات و سکنات زندگی؛ نه جلوتر از آنها حرکت کنیم، که در این صورت گمراهیم، نه عقب بمانیم.